

چرا برخی بی‌امان زیر تیغ جراحی می‌روند؟

تجمل‌گرایی روی اعضای بدن!

تجمل‌گرایی



سال گذشته برای دومین بار بینی‌ها و اش را به دست جراح سپرد. از نتیجه چندان راضی نیست و تصمیم گرفته این بار به پزشکی جدید مراجعه کند. برای تیره کردن پوستش مرتب به سالن زیبایی می‌رود و در سولاریوم قرار می‌گیرد. موهایش را همراه به رنگی جدید درمی‌آورد. رنگ تتوی ابروانش باید با موهایش همخوانی داشته باشد. چانه‌ها و اش را با شانه‌ها و اش همتراز می‌کند و برای داشتن اندام ایده‌آل درکنار ورزش در باشگاه، هر از گاهی به پزشک مراجعه می‌کند.

اوایل در حد معقول به ظاهرش توجه داشت، اما بتدریج جنبه افراطی گرفت. حال 90 درصد زندگی‌ها و اش را در توجه به ظاهر می‌بیند و موفقیت شغلی و عاطفی را در گرو زیبایی کمال‌گرایانه می‌داند. به راستی دلیل این گونه عملکرد او و امثال او چیست؟

اعتماد به نفس ندارم!

فائزه همراه خانواده‌ها و اش به جشن عروسی یکی از اقوام دعوت بود. همه خانواده به فکر تهیه لباس بودند، اما فائزه مشغول وقت گرفتن از مطب‌ها و سالن‌ها و اش زیبایی برای تزریق ژل گونه، بالاکشیدن پلک، پروتز لب، استفاده از دستگاه سولاریوم، تتوی بدن و چندکار دیگر بود. خانواده اعتراض داشتند چرا که هزینه این همه کار سر به آسمان می‌زد؛ ولی فائزه می‌گفت اگر من تمام این کارها را انجام ندهم اعتماد به نفس کافی برای حضور در جشن را ندارم.

به گفته ساناز مهدوی‌تبار، مشاور، بسیاری از افرادی که به طور وسواس گونه به مقوله زیبایی می‌پردازند از نداشتن اعتماد به نفس رنج می‌برند و از ظاهرگرایی به عنوان ابزار تایید دیگران استفاده می‌کنند.

مد زودگذر است و خیلی زود عامل تایید از بین می‌رود، به همین دلیل آنها باید به طور دائمی در فکر عوامل زیبایی بخش جدید باشند. این کار از بیخ و بن اشتباه است. فردی که خود را از اعتماد به نفس دور می‌بیند باید به کمک مشاور دلسوز، نشست و برخاست با افراد مناسب و مطالعه کتب انگیزشی، شخصیت حقیقی خود را پیدا کند و اعتماد به نفس خود را بیابد. توجه وسواس گونه به اعمال زیبایی نتیجه عکس دربرخواهد داشت.

هرچه جمع بگوید

در دهه‌های قبلی، پوست سرخ و سفید طرفدار داشت. افرادی که چنین پوستی داشتند به خود می‌بالیدند و دیگران تلاش می‌کردند به کمک کرم پودر، چهره خود را روشن کنند. حال سال‌هاست پوست تیره مد شده و هر سال یک درجه به تیرگی آن اضافه می‌شود. بسیاری خود را به دستگاه سولاریوم می‌سپارند و کرم‌ها و اش تیره می‌زنند تا ظاهری مطابق مد پیدا کنند.

به گفته سرور بدیعیان، روانشناس، برای فردی که هنوز استقلال فکری خود را پیدا نکرده، قدرت جمع بسیار زیاد است. وقتی راجع به چیزی تبلیغات شود و طرح و مدل و عملکرد خاصی هرچند غیرجذاب مد شود، تمام افرادی که به استقلال فکری دست نیافته‌اند، مجذوب آن می‌شوند. جمع مانند رودخانه آنها را با خود می‌برد. رنگ، طرح و مدل خاصی مد می‌شود و بسیاری از آنها استقبال می‌کنند چون با پیروی از این کار تایید و مدیست شناخته می‌شوند. راه حل رویارویی با این مساله، شناخت هویت واقعی و یافتن استقلال فکری است.

دور باطل هزینه‌ها

مثل همه چیز، هزینه عمل‌ها و اش جراحی زیبایی در مناطق مختلف کشور و بسته به متخصص متفاوت است. اما

آمارهای کلی چنین می‌گویند:

عمل بینی: بین چهار تا 16 میلیون تومان

پروتز لب: بین یک تا سه میلیون

پروتز گونه: بین سه تا 9 میلیون

تتوی بدن: از صد هزار تا ده میلیون تومان

زیبایی پلک: بین دو تا چهار میلیون تومان

اگر بحث یک عمل درمیان باشد، مساله‌ای نیست. هرچند همان یک عمل، مراحل ترمیمی در پی دارد و مطمئناً هزینه به همان یک بار محدود نمی‌شود، اما وقتی فرد به طور وسواس گونه در پی انجام انواع اعمال زیبایی باشد و اصرار داشته باشد اعضای صورت، پوست، مو و اندامش را همراه با مد به شکلی جدید در بیاورد، هزینه امور زیبایی برای او به معضلی جدی تبدیل می‌شود و فرد از هر دو لحاظ مادی و معنوی به مشکل برمی‌خورد.

افسردگی بعد از عمل

بسیاری از افرادی که به فاصله کم به چند عمل زیبایی مختلف تن می‌سپارند خیلی زود به افسردگی پس از عمل دچار می‌شوند. آنها افق بسیار دلنشینی برای خود متصورند اما به گفته مهدوی و تبار، مشاور خیلی وقت‌ها نتیجه‌آنی نیست که تصور می‌کردند و افسردگی به همراه دارد.

آنها پیش از تن سپردن به عمل جراحی یا دیگر امور زیبایی باید دقیقاً شرایط را بسنجند تا متوجه شوند آیا مشکل در تغییر ظاهری است و اگر این عمل انجام شود دقیقاً چه نتیجه‌ای حاصل خواهد شد. آنها باید در صورتی به عمل رضایت دهند که صد درصد از نتیجه کار آگاهی یافته باشند و اطمینان حاصل کنند از آن رضایت خواهند داشت. در غیر این صورت افسردگی پس از عمل، یکی از احتمالات قوی است.

امان از تجمل‌گرایی

پیشتر، افرادی که در بند تجمل پرستی بودند اصرار داشتند خانه بزرگ، ماشین لوکس و لوازم گرانبه‌ای را به رخ دیگران بکشند، اما مدتی است دایره ابزار تجملاتی به مراتب از این فراتر رفته و کارش به صورت و اندام افراد هم رسیده است.

این دیدگاه فرد تجمل‌گراست. مهم نیست عمل جراحی به واقع او را زیبا می‌کند یا نه، آن چه اهمیت دارد این است که او با قدم گذاشتن در محافل مختلف به همه نشان می‌دهد چه رقم سنگینی را برای خود خرج کرده است. به راستی این تجمل‌گرایی بیمارگونه تا کجا می‌خواهد پیش برود؟ تا جایی که هزینه‌ای به مراتب سنگین‌تر از پول، یعنی خدشه وارد کردن به سلامت جسم و روح در پی داشته باشد؟

داستان‌های دوران کودکی

اگر به خاطر داشته باشید بیشتر داستان‌های زیبایی که در دوران کودکی می‌خواندیم راجع به دختران قشنگی بود که شاهزادگان عاشقشان می‌شدند و با آنها ازدواج می‌کردند.

در تمام این داستان‌ها دختر خوب ماجرا بسیار زیبا بود و زن با با و خواهر ناتنی‌ها زشت. گویی ظاهر و باطن کاملاً با هم یکی شده بود. زیبایی به معنای خوش‌قلب، مهربانی و در نهایت خوش‌رویی؛ عاقبتی بود، اما زشتی بوی بدجنسی و بدکرداری می‌داد. خوشگل‌ها به بهترین سرنوشت می‌رسیدند و زشت‌ها را از شهر بیرون می‌کردند.

همه اینها در ذهن ما نفوذ کرده و تأثیری نادرست برجای گذاشته است. زیبایی ظاهر به پاکی درون هیچ ارتباطی ندارد و

به هیچ وجه ضامنی برای خوشبختی نیست. چشم&zwjzها را باید شست.

داستان&zwjzهای جدید باید نوشت و مفاهیم حقیقی را باید آموخت. در این میان، والدین نقشی بسیار پررنگ دارند. آنها باید داستان&zwjzهایی واقعی برای فرزندان خود تعریف کنند و نقش پاک‌ی و خوش نهادی در خوشبختی را یادشان بدهند.

لیلا رعیت

جام&zwjzجم